مدیر داخلی
دکتر وکیل کردستانی
تحت نظر هیئت تحریریه

آبونمان
سالیانه یکصد و بیست ریال
تکشماره دو ریال

شنبه ۱۹ مرداد
۱۳۳۰

خورشین

سیاسی ادبی اجتماعی

سال اول
شماره اول

امتیاز
معرفت

محل اداره تهران خیابان گرگان
چهار راه معینیه

معمای نفت

کلمه نفت این روزها ها زبانزدخاص و عام گردیده ، کسی نیست که مدتی از وقت خود را در روزصرف صحبت راجع به نفت ننماید ، هرچند دولت انگلستان رسما اصل ملی شدن صنعت نفت را پذیرفته و این پذیرش رسمی بمنزله بارقه امیدی بود و چندروزی مردم را به نتایج مذاکرات خوشبین نموده ، معهذا مجدداً افکار عمومی بشدت متوجه نفت گردیده و با بیتابی هر چه تمامتر منتظر نتیجه مذاکراتی است.

که در این باره بین دولت و هیئت نمایندگی دولت انگلستان که بریاست مستر استوکس مهردار سلطنتی آن کشور به تهران آمده است جریان دارد. در این میان جناب مستر هاریمن ملیونر با هوش و ذکاوت و رجل برجسته سیاسی امریکا که بهمت و پشتکار مشارالیه مجددا باب مذاکرات بین دولت ایران و دولت انگلیس باز گردیده هنوز در تهران بسر میبرد و در مصاحبه های خود نسبت به نتیجه مذاکرات اظهار خوشبینی مینماید و بطوریکه میگویند برای میانجی در مذاکرات تا وقتی احساس نمایند وجودشان در ایران برای حل مسئله نفط لازم

بقیه در صفحه ۳

قلم

فراموش نمی کنم در یکی از جشن های فرهنگی کردستان که با آب و تابی هرچه تمامتر برگذار میشد مقاله شیوائی بقلم مرحوم یحیی معرفت رئیس فرهنگ وقت در پیرامون قلم تهیه شده بود و توسط کودك خرد سال آنروز و مهندس عالیمقام امروز (آقای مهندس عبدالاحد معرفت) در محضر فضلا و دانشمندان ایراد گردید.

از آن موقع تاکنون خلاصه این مقاله در خاطرم باقیست اینك که من هم

بقیه در صفحه ۲

شادروان یحیی معرفت

مراتب فضل و دانش فقید مزبور که یکی از فضلای مشهور کشور است از توصیف مستغنی است و شرح حال و تاریخچه خدمات فرهنگی آنمرحوم که پایه و اساس فرهنك کردستانرا تشکیل داده در دست جمع آوری و چاپ است و از خداوند توفیق میخواهد با کمك و هم کاری علاقمندان به فرهنك در آتیه نزدیکی چاپ نماید.

ما برای تکمیل این تاریخچه بعکس هائی که از جشن های فرهنگی گرفته شده و قسمتی از آن در دسترس ما نیست احتیاج بمعاضدت همکاران قدیم فرهنك داریم.

همچنین از دوستان مرحوم معرفت تقاضا داریم از آثار ادبی و شعری مرحوم یحیی معرفت یا اشعاری که ازطرف شعرا برای ایشان و بنام ایشان سروده شد هرچه در دسترس دارند بضمیمه یك قطعه از عکس خود بدفتر روزنامه ارسال دارند و از این راه برما منتی گذارند تا از این رهگذر به تکمیل شرح حال یا ماتشریك مساعی کرده باشند.

مرحوم یحیی معرفت دارای آثاریست که تاکنون بطبع نرسیده یکی از آن آثار خیط السبحات فی تنظیم بقیه رشحات است.

هنگامی که سالار الدوله بدستیاری عده‌ای از اهالی کردستان بر کردستان استیلا یافته بود کینهٔ شدیدی از مرحوم معرفت که یکی از رجال صدر مشروطیت و در دوره دوم نمایندگی مجلس انتخاب شده بود بدل داشت و هرآن در صدد هلاك او بود تا

بقیه در صفحه ٤

وجه تسمیه روزنامه

کلمه خورنشین در بین اهالی غرب مخصوصاً کردزبانان کلمه کاملا مصطلحی است و مقصود از محلی است که خورشید در آن می نشیند و ازنظر پنهان میشود

این کلمه در کردی درست بمعنای مغرب استعمال میشود و عکس آن یعنی مشرق راخورهلات میگویند یعنی محلی که آفتاب بر می آید وطلوع میکند.

بنابر این ذکر وجه تسمیه خورنشین برای کرد زبانان زائد وغیرلازم میباشد

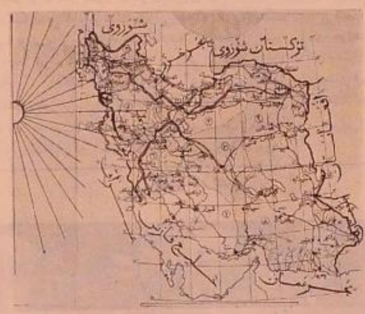
اما برای برادران پارس زبان که آنها هم دو طبقه هستند

یکی آنهائیکه زبان مادری خودرا بخوبی میدانند و بزبان فارسی مسلط هستند و میدانند که خور مادر خورشید است وشید صفتی است بمعنای بسیار روشن که بخور اضافه شده و این صفت بدنبال غالب کلمات جمشید ، فرشید ، مهشید در آمده کلمه خورنشین برای آنها ساده و آنان هم میدانند بمعنی محلی است که خور می نشیند و وجه تسمیه جهت آنان نیز لازم نیست و معنی کردن از یك کلمه فارسی برای آنان ضرورت ندارد.

لیکن طبقه دوم یعنی آنهائیکه بر فارسی مسلط نیستند معنی خورنشین را در بادی امر نمیدانند و ما این مقاله را صرفاً بمنظور استحضار آن طبقه می نویسیم و خاطر نشان مینمائیم همانطوریکه گفتیم خورشید مرکب از خور و شید می باشد و کلمه خور بین کرد زبانان که ریشه زبان فارسی در نزد آنان محفوظ است همه جا بمعنای آفتاب استعمال میشود و بجای اینکه بگویند آفتاب زده میگویند خور گفتگه و بجای غروب آفتاب میگویند خورنشگه یا اگر بگویند آفتاب گرم است میگویند خور گی گرمه بنا براین تردیدی نیست که مقصود ما را خوانندگان عزیز از انتخاب کلمه خورنشین برای روزنامه بخوبی دریافته ومیدانند چون ارتباط بیشتری این روز نامه باغرب ایران دارد ازاینرو خورنشین را برای نامش انتخاب کرده‌ایم.

کشف جدید علمی

درصفحه ۴



خدا ـ شاه ـ میهن

گیتی و آنچه که در آنست پیوسته چون ... مختلفه سینما درمعرض دگرگونی و ... است، ساعات ودقایق زندگی بسرعت ... سپری میشوند و در هردقیقه و آنی ... بازی دیگری آغاز و بطرز نوینی ... میکند، هرفصلی که میگذرد تغییرات ... گوناگونی درعرصه حیات بظهور میرسد ... لحظه که سپری میشود موجوداتی از ... بوجود آمده و یا از هستی به نیستی ... گرایند.

صحنه زندگی پراز تغییر و تبدیلات ... برای آفرینش بنیانش بسر تحولات ... گوناگونی استوار است که حتی چشم خیال ... آنرا محو ومبهم می بیند، ولی درعین ... گردش این دستگاه عظیم تحت چنان ... ونسق معین وتوأم باعجایب وشگفتی ... فراوانی میباشد که تنها تصور آنها ... فکر در چگونگی پیدایش این بساط ... انگیز و محیرالعقول کافی است که ... عظمت گردانده وبرپا کننده آن پی ... وبفهمد که بی شك قوه‌ای مافوق تمام ... منصوره است که این بنای عظیم را ... کرده و محال است که سرای بدین ... با اینهمه نقش و نگار های عجیب ... سری وخود بخود بوجود آمده باشد.

... این بنا ، مؤسس این مؤسسه ، برپا ... این بساط و بالاخره گرداننده این ... را خدا میگوئیم که بی شك ما که یکی ... موجودات زنده وعاقل عالم حیات هستیم ... است باجزئی تفکر درپیدایش عالم ... برابر صانع و بوجود آورنده آن سر ... ونیایش فرود آورده و درکارهااز ... خود توفیق مسئلت نمائیم و آفریدگاری ... ما را از نیستی بهستی آورده و حیات ... است پرستش نمائیم.

اندیشه درپیدایش عالم که راه پی بردن ... واجب الوجود است از دیرباز در ... افراد نهیده بشر رسوخ نموده تاآنجا ... پرستش ارباب انواع خارج وبشاهراه ... که پرستش حق یگانه باشد رسیده ... ازطرف دیگر وقتی که بشر پا از ... نیستی بهستی نهاد و دوره های ... زندگی اولیه را که بسربردن درجنگلها ... سپری نمود، به تهیه خانه ومسکن و ... زراعت وتجارت پرداخت ، هرقوم و ... در آبادانی وعمران سرزمین خود ... ، درنتیجه حس غریزی رقابت و ... خواهی که غایت فعالیت بشر از آن ... میشود سبب شد که هردسته برای ... منافع و تهیه وسایل راحتی خود ... بیشتر در آبادانی منطقهٔ خویش ... نمایند و نتیجه زحمات وفداکاریهای ... را صرفنظر از تمتع خویش قهراً ... گان سپرده واهدا نمایند، تااین خاك ... که سالیان متمادی اجداد ما از آن ... شده وهرگوشه آن بخون پاك ... فداکار ما آغشته و آبیاری شده ... ما رسیده است ، این میراث بزرگ ... خود ما هم ازبدو تولد تاکنون ازآن ... شده واین سرزمین مقدس که بهتر ... مارا دردامن خودپرورش داده است ... ومادر حقیقی ما است که از آن ... آمده وبعداً هم باید درآن مدفون ... ذرات خاك آن شویم، همانطوریکه ... تن ازنیاکان ما اکنون در زیر ... خاك مقدس ودر دامان این مادرحقیقی ... ابدی فرورفته‌اند وروح آنها در ... این کشورنگران عملیات ما است.

تا به بینند سرزمینی را که ... با خون دل و باجانبازی ها ... فداکاری ها حفظ و حراست ... ودند ماچگونه درنگاهداری ... آن از دست دشمنانی

که اسلاف آنها سودای خام تسلط براین خاك مقدس را درسر می پرورانیدند وبالاخره این آرزوی خام را با خود بگور بردند و اکنون اخلاف آنها تحت عناوین ظاهر فریب وبا خدعه و نیرنك میخواهند این نقشهٔ شوم را اجرا نمایند مبارزه وپیکار می‌نمائیم.

این علائق ناگسستنی و خاطرات

بقیه درصفحه ٤



بخنجر اگر خون چکد قلب پاك
من ایرانیم این شعار من است
چو ایران نباشد تن من مباد

خدا شاه میهن نوید بخاك
وطن دوستی افتخار من است
بدین بوم و برزنده یکتن مباد

الکریم اذا وعد وفا

سخنی چند با جناب آقای دکتر سنجابی وزیر فرهنك

اکنون هنگام اجرای نظریات اصلاحی جنابعالی است

وجود جنابعالی در رأس وزارت فرهنك موجب امیدواری وخوشوقتی علاقمندان به اصلاح فرهنك است، ولی اگر فکر کنیم مملکت پهناور ایران تنها محدود بتهران و چند شهرستان دیگر که تا اندازه‌ای از نعمت فرهنك بهره‌مند شده‌اند نمی باشد و اکثریت مردم ایرانرا ایلات و کشاورزان تشکیل میدهد که تاکنون کمترین توجهی بفرهنك آنان نشده است.

باید بیشتر ازاین حس انتخاب جناب آقای دکتر مصدق خورسند و سپاسگزار شد، چه یقین است اگر بنا باشد بفرهنك ایلات و عشایر و کشاورزان این مملکت

بقیه در صفحه ۲

تفرقه انداز و حکومت کن

اتلی ـ چرچیل

حائری زاده ـ دکتر متین دفتری

در این لحظات حساس و در این دقایق باریك که کشورما یکی ازبزرگترین روزهای تاریخی خود را میگذراند ، در این موقع که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت وارد مراحل نهائی خود شده ، دراین هنگام که سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور برای مدتی مدید تعین میشود ، در این روزها که چرچیل و اتلی دو قهرمان نامی و دو پهلوان رقیب سیاسی انگلستان تمام اختلافات خود را کنار گذاشته ودست همکاری بیکدیگرداده تابتوانند قضیه نفت ما را بنفع خود حل کنند و بالاخره در این حال که ملت ما برای جبران حقوق

بقیه درصفحه ۲

سران عشایر غرب

روزنامه خورنشین در نظر دارد تاریخچه قبایل و عشایر غرب را بتدریج جمع آوری و منتشر نماید بنا براین از سران عشایر خواهشمند است تاریخچه عشیره خود را با خدماتی که درراه میهن انجام داده‌اند بدفتر روزنامه بفرستند و در صورت امکان عکس درگذشتگان وعکس اشخاص نامی امروز را هم ارسال دارند

مردم شمال شرق تهران

چه میگویند؟

عده‌ای ازاهالی شمال‌شرق بما مراجعه و میگویند:

با اینکه دراین ناحیه بمناسبت سکنه زیادی که دارد عوارض شهرداری بیش از محلات دیگر دریافت میشود و همیشه عوارض پرداختی اینمحل پـر جمعیت را بمصرف محلات دیگر مخصوصاً خیابانهای زیر کمربند رسانیده و ما رااز مـزایای شهر نشینی محروم و بنسبت معکـوس عوارض پرداختی ما را از بـرق و آب و اسفالت بی‌بهره ساخته‌اند.

معهذا در اینموقع که بمناسبت روز ۲۳ تیرماه و حوادث‌خونین‌میدان‌بهارستان اولیاء امر که از این نامساوی و عـدم موازنه بخوبی مستحضر ندومی داننـد بلاکش ترین مردم تهران‌سکنه شمال شرق می‌باشند.

محـل میتینك را ازمیدان بهارستان بمیدان‌شهناز منتقل کرده اند وبفرض اینکه انشاء الله حـوادث خونینی پیش نیاید و خاطرات تلخ آنروز تجدیـد نشود اقلا گردشگاهی راکـه میرفت تمدی سر و صورت یابد و محل هواخـوری فرزندان خردسال این ناحیه شودبا اینصـورت از اختیار آنان در آوردند.

آیا اینست معنای‌عدالت اجتماعی

آیا اهالـی شمال‌شرق مگـر جزو جمعیت تهران‌نیستند واگر حوادث‌احتمالی در آتیه پیش‌بیاید باید نصیب‌مجاورین میدان شهناز شود

«مرك خوبست برای همسایه»

روزنامه شمال شرق نتوانست‌جواب قانع کننده ای بمراجعین بدهد و ازاولیای محترم شهر تقاضا دارد یا خیابانهای این ناحیه را ازحیث آب و برق و اسفالت به صورت خیابانهای دیگر درآورند یا این که مقرر شود یکی دیگر از میدان های شهر راکـه از مزایای شهر نشینی بهره کامل دارد‌برای‌محل‌میتینك انتخاب‌ومعرفی نمایند.

سخنی چند باجناب آقای …

بقیه از صفحه ۱

سرو صورتی داده شودباید بدست‌عناصری مطلع‌وتحصیل کرده وعلاقمندنظیرجنابعالی باشد.

از طرف دیگرقاطبه اکراد ازاینکه یکی از فرزندان نجیب و دانشمند کـرد جزء هیئت دولت میباشد کـه بخوبی از نواقص و درد های مردم آنسامان اطلاع دارد خـوشحال بوده و امیدوار اند که بدست شما و براهنمائی شما اصلاحـات اساسی بخصوص‌درمناطق کرد نشین‌صورت گیرد

جناب آقای‌دکتر سنجابی!

اکراد از جنابعالی چشم انتظـار دارند که توجه عاجل دولت را نسبت به مناطق کرد نشین‌جلب‌نموده وضمناخودتان برای‌بسط فرهنك در آن نواحی قدم های مؤثر وعملی بردارید.

جناب‌آقای دکترسنجابی!

یقین‌فراموش نکرده‌اید درسخنرانی شیوا و میهن‌پرستانه ای که چندی قبل از تصدی مقام وزارت درکانون هدایت‌افکار ایراد فرمودید چه‌طرق اساسی وچه‌پروژه های صحیحی برای‌تأمین سعادت‌اکرادیان وارائه نمودید.

هنوز صدای جنابعالی در گوش های مستمعین طنین انداز است که‌فرمودید

تاکنون هیچیك از دولتها با علم‌و اطلاع توجهی‌باکراد ننموده و ما اگر‌یکدولت ملی‌و فهمیده داشتیم از مسئله کـرد بصورت یك اسلحه قوی‌استفاده می‌نمودند نه اینکه بدبختانه بگذارند که‌مثل آ ونی دردست دشمنـان ایران باشد«

اکنون هنگام آن‌رسیده است‌دراین دولت ملی که شوشبختانه خودجنابعالی در تشکیل‌آن شرکت دارید‌نظریات اصلاحی خودرا انجام فرمائید و بدانید که دیدگان عناصر علاقمند نگران عملیات جنابعالـی است تابدانند اقلاچه‌قدم هائی برای‌توسعه فرهنك درمناطق کرد نشین بر میدارید و یا اینکه بهتر و پاك و پوست کنده تر بگوئیم

مردم‌منتظرند‌ببینند که‌درزمان‌وزارت خودچه‌خدماتی بزادگاه‌وهمشهریهای‌محروم خود میفرمائید.

جناب‌آقای دکتر سنجابی!

اکنون که مسئله نفت بحمدالله دارد بنفع ملت‌ایران حل می شود شایسته است جنابعالی توجه شایسته‌دولت را بمناطـق کـرد نشین جلب و خودتان نیز حتی‌-القوه‌در اینموقع که سال تحصیلی درشرف افتتاح‌است برای ایجادمدارس‌عشایری‌اقدام فرمائید.

جناب‌آقای دکترسنجابی!

انتظـارات عناصر روشنفکـر از جنابعالی زیاد است امیدواریم دراینـدوره وزارت گام های مفیدی بنفع اکراد بر-داشته و باین‌وسیله نشان دهید که قضاوت واحساسات مردم در باب جنابعالی صحیح بوده ونام شما کماکان‌با سربلندی‌وافتخار توأم‌باشد.

«هیئت تحریریه»

تفرقه‌انداز و حکومت کن

بقیه از صفحه ۱

از دست رفتهٔ خود درمقابل‌یکدولت معظم و سیاس خارجی قیـام نموده و برای خاتمه دادن و ازهم گسـتن بندهای‌استعمار قد علم نموده است وحصول این مقصود و نیل بموفقیت نهائی که حفظ مصالح عالیه کشور است جز باتشریك‌مساعی وهمکاری ومواحدت عموم طبقات مردم بویژه اتفاق نظرواتحاد سیاستمداران و رجال برجسته کشور ممکن و مقدور نیست هفتهٔ گذشته نطق‌هائی در مجلسین از طرف دو تن از رجال باسابقه ومعروف این مملکت‌ایراد شد که موجب نهایت تاسف و تأثر عموم علاقمندان بکشور گردید.

جای بسی‌تأسف است که‌سیاستمداران ما بجای آنکه در این‌موقع بحرانی‌مانند اتلی وچرچیل‌کلیه اختلافات اصولی‌را هم کنارگذاشته ودر راه حفظ منافع مملکت کماکان سعی وجدیت نمایند تاگاه درصدد تصفیه خورده‌حسابهای شخصی و قدیمی بر آمده وبناحق همدیـگر را مورد اهانت قرار میدهند، تریبون مجلس راکـه باید برای رسانیدن صدای ملت ایران بگوش جهانیان باشد وسیله حمله بیکدیگر قرار داده، بجای آنکه هم‌آهنك‌ویکدل ویك زبان برای نجات ملت‌ایران از قیداستعمار بکوشند بجان یکدیگر افتاده و هرکدام نقاط ضعف یکدیگر رازیر میـکرسکپ گذاشته و بهمدیگر میتازند، کسانیکه‌مثل معروف «تفرقه انداز و حکومت کن» را درنظر بگیرند بخوبی میدانند این ماجرا درست میل حقیقی رقیب کهنه‌کار است که در این موقع رجال مطلع و سیاستمدار و دانشمند ما بجان یکدیگر بیفتند تا بشود بهتر وهرچه ممکن باشد بنحو مطلوبتری قضیه را خاتمه دهد.

بدیهی است مقـام علمی و سیاسی نامبردگان محترم بالاتر از آنست که ما گستاخی نموده و آقمان را ادب بیاموزیم ولی از لحاظ وظیفه نامه‌نگاری و بنـام حفظ مصالح مملکت آنایان محترم را که بلاتردیدقلبهای هریك آکنده از مهرمیهن است وهر دو یك‌چیز را که‌اعتلای ایران است میخواهند مخاطب قرار داده و می-گوئیم دراین موقع خطیر که سیاستمداران بیگانه اختلافات خود راکنار گذاشته‌اند حیف است شما اشخاص‌شریف‌خود وملت ایران را در انظار خودی و بیگانه سبك نموده وبجای حفظ منافع مملکت تیر های تهمت را بسوی یکدیگر رها کنید و در این میان کسی نباشدکه منافع ملت ایران را حفظ نماید.

***

ماانتظارداریم بخاطرمنافع‌ایران کبر وغرور راکنار گذاشته وسو، تفاهمات را با مذاکرات وتذکرات خصوصی حل‌نمایند وامیدواریم لازم‌نباشد دیگر در این باره سخن نگوئیم.

هیئت تحریریه

چاپخانه آفتاب
تلفن ۲۹۶۷٤

علمی

جدید ترین کشف علمی بدست یك پزشك ایرانی

آیا باینوسیله کورها بینا و فالج ها سالم خواهند شد؟

برازاطلاع آقای دکتردوالریاستین سرم مخصوصی تهیه نموده اند که‌باآن میتوان هر عصبی راکه‌آترونی (صفر) یافته‌باشد مجددا بهبودی داده و باصطلاح عصب را ورزره مینماید، اینداروکه این روزهامورد آزمایش قرار گرفته‌امتحانات اولیه باآن بسیاررضایت بخش بوده است چنانچه‌دو نفر نابینا راکه مبتلا به‌آتروفی عصب چشم بوده اند بطور محسوس دارای دید نموده است و چنانچه بدین ترتیب پیشرفت نماید بی شك موفقیت بزرگی نصیب این پزشك ایرانی شده‌است زیرا فالج‌هـا وکورها و لالها که علت عارضه‌آنها عصبی باشد بهبودی خواهند یافت

وما خوشوقتیم که‌اولین بار‌این خبر را باطلاع خوانندگان محترم رسانیدیم در مصاحبه که باآقای دکتر طرفه رئیس بخش چشم پزشکی بیمارستان فیروزآبادی بعمل آمد ایشان از نتایجی که ازاین سرم در درمان‌بیماران چشمی مبتلا به صفرعصب چشم گرفته اند اظهار رضـایت کامل‌نمودند و امید دادند‌که منبعد از این سرم در درمان این بیماران که تاکنون لاعلاج بودند استفاده شود.

عکسهای قدیم



خورنشین‌در نظردارد عکس‌های جالب توجه‌قدیم راکه ازشخصیت‌های‌بزرك محلی یا ازآثار و ابنیه و مناظر طبیعی گرفته شده باشد گراور و منتشر کند و دراین شماره عکس عده ای‌از رجال نامی کردستان را از چپ براست

۱- مرحوم خلد آشیان حاج میرزا ابوالقا مظهرالسلام ۲- مرحوم جنت مکان حاج شیخ ابراهیم ۳- شادروان حاج‌مردار مکرم اردلان مرحوم میرورشیخ شکرالله امام جمعه ٥- مرحوم‌رستم خان ناظم ٦- جناب آقای‌محسن صدیق‌وزیری که اکنون در شیرا تشریف دارند ومورد علاقه و تکریم عموم‌بود. ریاست بانك رهنی را عهده‌دارند ۷- مرحوم حاج‌مشاورالوزاره محمودی اهل تهران که درآن موقع ریاست دارائی کردستان را عهده دار بوده اند ۸- مرحوم شیخ غفور از خوانندگان گرامی تقاضا داریم دراین قسمت باما همکاری و هرکس عکس جالبی دارد برای درج بدفتر روزنامه ارسال دارد

معمای نفت

بقیه از صفحه ۱

است‌اقامت‌خواهندنمود، ازنتیجه‌مذاکرات نیز اطلاع مهمی‌تاکنون بملت‌داده نشده و آنچه که گفته‌میشودتماما‌بااشارات‌وکنایات سیاسی و جملات دو پهلو توام‌است.

شك نیست دولت انگلستان که‌یکی از وزرای کابینه خود را به تهران‌اعزام داشته و بطوریکه جراید‌نیمه رسمی هم اشاره‌میکنند ایشان کمال رسوم وآداب شرقی راهم دربرخوردبارجال‌مملکت‌بنحو اتم و اکمل‌مراعات میتمایند یقین‌است که این‌انگلیسی کامل‌العیاربخوبی احساس‌نموده است که دولت او احتیاج‌کامل به نفت‌ما دارد و برای نیل‌بدینمقصودو کنار آمدن‌با رجال دولت ماحتی حاضر شده است‌اخلاق خشك و بدون تعارف انگلیسی‌را یکباره کنارگذاشته و بهر شکلی که ممکن باشد درمیاید تا بلکه بتواند معمای‌نفت راحل نموده‌و گره‌یکی‌ازمشکلات‌سیاست‌انگلستان راباسرانگشت‌تدبیر باز نماید بدیهی‌است‌با توجه باحساسات ملی که حاضر نیستند به هیچوجه از حدود ۹ ماده قانون خلع ید عدول شود و پافشاری دولت انگلیس‌این مشکل باین‌سادگی‌هاو بزودی حل‌نمیگردد ولی‌ازآن‌جا که‌مسترهاریمن‌ومستراستوکس اخیرا سفری بآبادان نموده و از نزدیك مظالم و فجایع بیحدوحصر شرکت‌غاصب سابق نفت را دیده اند یقینا تااندازه‌،طنا هم‌از آنچه در گذشته بر این ملت تحمیل شده‌است متاثر شده و بملت ایران حق‌داده اندکه برای حقوق از دست رفته خودقیام نمایند.

بااینهمه تاکنون معلوم‌نیست که‌مشکل نفت بکجا انجامیده واز مذاکرات‌تاکنون چه نتیجه عایدگردیده است صرفنظرازآن چه که نخست وزیر در مجلس بیان نمود.

والبته بهیچوجه مخالفین راهم‌قانع ننموده است آنچه که جسته و گریخته از مذاکرات‌کسب اطلاع میشود و صحبت بیشتر درباره طرز اداره و چگونگی کار متخصصین انگلیسی است که قطعاًمه هم بمستر استوکس داده و تقاضا کرده اند که روسای آنهاانگلیسی باشد ازطرف‌دیگر گویا آمریکائی ها نیز قرار شده سهامی در شرکتی که برای فـروش نفت تشکیل میشود داشته‌باشند در صورتی که یکی از سخنگویان دولت انگلیس آنرا تکذیب نمودو معمای دیگر برمعما هاافزود

خلاصه بایدگفت تاکنون بر خلاف آنچه‌که با آب‌و تاب‌تمام تبلیغ میشودمسئله‌نفت حل نگردیده و با تحریکات سیاسی که ازطرف بلوك مخالف هم‌میشود بعید به نظر میرسد که باین‌آسانی بتوان قانون ملی شدن‌را بمرحله اجرا در آورد.

البته‌جناب آقای‌دکترمصدق که به‌پهلوان‌نفت ملقب گردیده‌حاضرنیست باین زودی دست از مذاکرات بکشد علی‌الخصوص که هنوز معتقدین ایشان زیادومحبوبیت‌شان درمیان مردم ازبین نرفته است واگرگاه و بی-گاه اظهار بدبینی نسبت بایشان میشود باز مردم از ته دل امید وارند کـه این مسئله بدست ایشان بنحو مطلوب خاتمه پذیرد با اینوصف جـرائد مخالف دولت مسئله ملی شدن‌و تجدید قراردادرا کوسه‌و ریش‌پهن قلمداد نموده و شدیداً باقدامات دولت اعتراض میکنند ما در عین اینکه زحمات شبانه‌روزی‌جناب آقای دکترمصدق را تأیید وتقدیر مینمائیم ناچاریم بگوئیم تاکنون ایشان موفقیتی کسب ننموده اند و مسئله واگذاری نفت کرمانشاه (که بقرار مسموع ضررمیکنند) وبدست گرفتن توزیع نفت در داخلهٔ کشورکه یکی از مشکلات شرکت سابق بود هیچکدام موفقیتی‌نیست که شایسته آنهمه فداکاریها باشدکـه از طرف ملت مبذول شده و امیدواریم کـه ایشان بتوانند بنحویکه منافـع ملی تأمین شود و موجبات دردسری درآینده نباشد مسئله نفت‌را حل نمایند.

هیئت تحریریه

قلم

بقیه ازصفحه ۱

قلم بدست گرفته درسلك‌روزنامه نگاری درآمدم‌خاطرات آن روز در نظرم مجسم و بیاد آن مجلس افتاده بی اختیار قیافه جناب آقای مظفر اعلم فرماندار وقت که در صدر مجلس نشسته و فضلای آن روز با شرکت خود بر شکوه جشن افزوده بودنداز‌خاطرم خطور‌نمودو باز بیاد مقاله قلم افتادم وعباراتی از آن مقاله بخاطرم آمد که گوئی‌صدای گویند، آن‌نیزدر گوشم طنین‌اندازاست وابنك بنقل‌آن‌عبارات میپردازم

قلمی که من‌میخواهم شرح بدهم‌آلتی است که بواسطه آن افکار و خیالات و مقاصد قلبی‌بشر در روی الواح مختلفه ثبت شده و در عالم منتشرمیگردد شرح انواع این آلت‌ازابتدای‌تاریخ تاکنون‌خیلی‌مفصل خواهدبود خدماتی که این‌آلت نشرافکار از اول‌تاریخ بدنیاکرده بسیار می‌باشداین آلت‌راخواه‌چوب‌یانی‌باآهن‌یا فولادیاالماس یاشیشه‌یابالاخره‌سرب‌باشدقلم‌میگوئیم‌آری قلم(ای‌قلم‌هم نشتری هم مرهمی) اگر قلم نبود امروز گذارش بارگاه عدل پرویز و داستان ظلم چنگیز جزو پروگرام مدرسه عبرت نمیشد قلم میگوید(هان ای‌دل‌عبرت بین از دیده نظر کن هان) تاآخر .

اگر قلم نبود افسانهٔ عشق مجنون و حسن لیلی‌درتابلوی صفا ومحبت به‌یادگار نمی ماند قلم میگوید .

هزار سال گذشت از حکایت مجنون هنوز مردم صحرا نشین سیه پوشند

قلم است که با محامد انوشیروان عادل و تدابیر بزرگمهر دانشمند سرلوحه شرافتمندی تاریخ ایران را مذهب ساخته بقایای آثار فردوسی ها و نظامی ها و سعدی ها و خاقانی ها و تمام نوابغ ادبی و سیاسی ایران از اثر همین قلم است

مضرات این آلت نشر افکار هم که اسمش را قلم گذاشتیم زیاد است ازآنجمله آن صرف میکنیم مولوی میفرماید (ای زبان هم آتشی هم خرمنی) من میگویم (ای قلم هم‌آتشی هم‌خرمنی) هردو یکی است انسان در هر دوره آلت نشر افکار خود را ترقی داد-تا امروز که بیك‌صورت مهیب و خطرناك و بزرگواری در آمده آن را مطبعه وآلت طبع وچاپ‌میگویند بلی مطبعه‌خطرناك است‌مطبعه مهیب‌است امروز در تمام دنیا فکر هر یك نفر بشر خوب باید حق یا باطل دریك آن بوسیله همین آلت نشر میشود دنیا را زیر و رو میکند . عالم را متزلزل‌مینماید تمام‌افراد بشر را تکان میدهد.

مطبوعات میتوانند در یك روز و با چند سطر سعادت ابدی ملتی را فراهم‌سازند. از اینجا است هر یك از بزرگان دنیا‌یك زبانی در خصوص قلم ومطبوعات چیزی‌می گویند یکی‌میگوید (ای‌قلم توخیلی‌قشنگی ولی در مملکت من منظره‌ات از چهره شیطان قبیح تر است) امانویل پادشاه مخلوع پرتگال به جریده نگاران میگوید (شما مرا بزمین زدید)

کاسترو رئیس جمهوری ونزوئلا میگوید (من از دروازه باتان دوزخ نمی ترسم ولی از صریر قلم روزنامـه نویس برخود میلرزم) اما استاد معظم و مربی بزرگوار عالم شیخ سعدی علیه الرحمهٔ می فرماید.

قلم زن نکه دار وشمشیر زن
نه‌مطرب که مردی نباید زدن

امروز معاملـه با قلم و مطابـع و مطبوعات برای فرد فرد بشر خیلی سخت شده چرا ؟ برای این که معلوم شده مقام قلم بلند است ودر مقابل قلم زانو بزمین بزنم به این معنی همیشه در تزکیه افکارو و تقدیس خیالات خودم بکوشم‌تا ازاثرات فکر من بوسیله‌قلم یامطبعه‌مذلت وبدبختی بخودم یا خانواده ام یا ملتم یا وطنم‌عاید نگردد خداوندا پروردگارا بحق سوره مبارکه ن والقلم ومایسطرون قسـت‌میدهم

تسلیت

باکمال تاسف مصیبت وارده بخانواده محترم مشایخی را بخصوص بجناب آقای مهدی مشایخی تسلیت میگوئیم سلامتی و صبوری ایشان را از خداوند مسئلت

هیئت تحریریه

خبط‌السبحات فی تنظیم ر…

بقلم وخط شادروان یحیی …

مربوط بصفحه اول وچه…

افکار ما را مقدس فرما تاسطرهائی …
نویسیم مقدس باشد و از مضرات …
و نوعی دنیائی و دینی این آلت …
که آن را قلم نام دادیم محفوظ …



گورانی

یا ترانه های کردی

لەژیرام عنوانا کتیبونك بقلم آغه دکتر محمد مکری که یکی‌له اسا کل فضل وادب چاپ بوکه ونسخه‌ئیکی بوایه هناردگه.

آغه دکترمکری که ایمروژ یکی لەصاحبمنصب گل کوده و ناودار وزارت فرهنگ الحق کردیك فره‌زان وژیر ویزیو وبا جوهره.

هر کس کیتو ترانه گل کردی اوبنیت بحسن‌ذوق وخوش فکری دکترمکری آفرین وبارقلا ایژیت.

ام کیتو اوته‌دلنشینه که هر کردی بیکرته دسو تادوری نکاتو ودوای‌نیریت دای نانی.

جلد اولی کردگه سه بشو بش اولی تاریف شعر و عروض ولهجه گل کردیه بش دوی ٤٢٧ هل بسه کردیه که بلهجه گل مختلف کرماشانی. هورامانی. لکی. سنندجی. کرماجی مریوانی. بانه‌ای ومکریانی هل بسیاگه بش‌سوی‌لغت گل کردیه که له‌شعر کانا بکار رویگه.

بحوریك خونــەوادکان‌مان ازاتن شعر وهل‌بسه کردی بوکسانی که آشنائی فریکیان بزوان کردی نیه بآسانی درنا کرکیت و خوندن کردی بوام‌جوره اشخاص سخت ونارحته ولی نویسندهٔ ام کیتوه تو او هل‌بسه و لغتکانی بخط لاتینیچ نوسیگه وفارسیکیچی‌ها له‌ژیریا.

لهجه کرماشاهی

خدا دا له دس شلهٔ مانگه‌شو	له‌مانگ‌آوایی نه‌خیل‌چی‌له‌خو
اگـر هلـم سایهم دیـاره	اگـر دا نیشم دل بیقراره

ظریفی‌تر که به‌ام کیتو زیادکریاگه امـه که بو بعضی له هل بسه‌کان که فره طبیعی وساده هل بسیاگه (و خوش بختانه شعر گل کردی گشتی دادای ام سبکس و تواو بی تکلف و له‌روی سوز دلو ویژیاگه) مقصود شاعری بصورت نقاشی مجسم کردگه له‌واقعا معنای شعر کی هاوردگـه قالب صورت

ولی ام صورت گله فره‌تر بواشخاصی بدرداخوات که بزوان کردی آشنائین‌نوی والا هر کرد زوانی شعر گل کردی بخوینتو چون اونه دل رفین وطبیعی هل بسیاگه نوراً مقصود شاعره که له‌برچادیو نقش اوسیت ومجسم اویت وام خاصیتکه‌مخصوص بزوان دهل بسه گل کردی واو دوشعر وا له برو نقلمان کرد خوی بهترین دلیله که هر کردی بی‌خیونی شومانگه‌شو و ناو خیل و دل بیقرار عاشق و هزار حالت گل بلابو مجسم اویت.

وبقول فارس گل که ایژن شعر آن است که خود بیابد تاآنکه بیاورنـدش شعر گل کردی فره بی‌تکلف بو شاعر هاتکه وله خوندیچیا بی‌تکلف‌حالت‌وموقعیت ومقصود شاعر بلای شنوند ومجسم اویت.

اما ام‌سبك‌وا آقای دکتر مکری بکاری بردگه امروژه فره معمول وباعث ظریفی کیتو کس.

ایمه بونمونه ام دوشعر که بلهجهٔ کرماشان ویژریاگه بنقاشیکیو چاپ‌اکین

جوانی و پیری

جوانی

تنیا داریك بیم گینیك له پام‌بی	گل گل نازاریل دایم له‌بام بی



پیری

ایسه پر بیمه بلکم ژ یایـه	گل گل نازاریل له‌لیم توریایه



بواوه خونده وار عزیز کانمان زیاتر بم کتیو آشنا بکین‌له لهجه گل مختلفی که جی کردگه شعر گلی نقل اکین

۱ ـ کرماشانی

وی ایمام هادی بان کلیائی	کافـر نخیفت شوو تنیائی

۲ ـ ترانه‌گل دهات دور کرماشان

خدا دای له‌دس ای نونمامه	شوله پژ ارەی خولیم حرامه

۳ ـ هل‌بسه‌گل کرماشانی له‌گرته هورامانی

باوات نرمی بسوز وجرکت	جو کرماشانی سیه بو برکت

* * *

یلا بیم بیــو هربه بــاومه	هــاور ز لیلی مجنون ناومه

۴ ـ کرماشانی نزیك بلکی

هر کوره مچی اله یارت بوت	آوکی زمزم سازکارت بوت

* * *

کرماشان مچم بیستون رامــه	قتلگای فرهاد شو منزلگامه

* * *

زلفت و صورت بریشان مکه	وك مانك‌روی‌هوررو پنهان‌مکه

۴ ـ کرماجی سنندجی

خوم کردسانی فارسی نازانم	بزوانی کردی دردت له گیانم

* * *

چاوم بوچاوت چاوه چاویه	دلکه‌م بو دلت گـلاراویه

* * *

بقربانــو بـم له دووردیاری	چمان ونوشهٔ اول بهاری

* * *

له ناو پنجره سر بیرانه در	قضات‌له گیانم‌و نیه‌مانك‌وخور

* * *

ایمشو چن‌شو یار له‌مال نیه	کس له‌ناله کس خوردار نیه

٦ ـ گرماجی سنندجی تیکل بوگ‌کنك هورامانی

هرمانگی نوبی حالـم پشیون	هلال‌چون‌شیوه‌ابروی‌توی‌پیون

* * *

شوان شوناله وروژان زورومه	یك جا ریژاره دوتکی تومه

* * *

کارکان گردون اشی هروایی	لیلی دوله من مجنون‌گدایی

۷ ـ کردی مریوانی

دشتی مریـوان کاکی بکاکی	دوره‌له‌بالاکت‌ویران‌بی‌خاکی

* * *

سالی بو ایام زر بار شار بو	سیصددروازه وچوارصدمنار بو
زره‌بار چری بکانی سانــان	کواخان‌احمدخان باش‌کل‌خانان



مدیر ما در میان سران عشایر

له کلام شاعر مشهور (کردی)

عزیزه‌واله دوریت دل فکارم	که‌خوین‌درژی‌له‌دیدهٔ‌اشکبارم
وهافرمیك‌خوین‌دی‌له‌چاوم	وکـو دامان الونده کنارم
له کردی‌قاصدی یأسی‌وصالت	بکلی کوبره دیـدهٔ انتظارم
که امیدی وصال توم نماود	بمرگی تو بمرك امیده وارم
له‌چاوی‌خوت‌بپرسه‌اودزانیت	که بوج بیمارم ودل بی‌قرارم
مکن‌منعم که سر گردان‌وویلم	بدست عشق زمامی اختیارم
له‌گل عشقت وها یاروایـم	له‌نوش حتی بکلی بر کنارم
وکو منصورا گریشم‌سوتی‌تن	اناالقادر دلی گـردو غبارم
اگر طالع بیی کردی سزایه	بعقه در و گوهر کن نثارم

تاریخ کردستان

برای کردستان تاریخهائی در قدیم و جدید نوشته شده و بعضی از آن ها بچاپ رسیده

ولی تاریخی نزد ما میباشدکه در نزد مطلعین مشهور و مورد اعتماد است این تاریخ دردوره های اخیر نوشته شده وتاکنون بچاپ نرسیده نویسنده‌آن‌صادق الملك مشهور است ومادرروزنامهٔ خورنشین بچاپ آن شروع می نمائیم امیدوارم مورد استفاده‌علاقمندان‌قرار گیرد.

اینك مقدمه تاریخ صادق الملك

سپاس بیقیاس خداوندی را سزاست که بقدرت کاملـه هفت طبق خاك را ایجاد و سه رواق افلاك را بنیاد نهاد. در خاك تیره آب روشن و صاف راجاری و ازآب عارض بیابان و صحاری را گلناری فرمود.

از زمین تیره گلهای درخشان. در میان خاره آب صاف و رخشان‌پرورد که این عنصر متزلزل آسایش وآرامش پذیرد.

زمین از تف و لرزه آمد ستوه	فرو کوفت بردامنش میخ کوه

قادری که از امتزاج آب و خاك خار و تاك را پرورد از خار گل و از تاك مل آورد رحیمی که از برای هدایت خاکیان پیغمبران را فـرستاد که هادی نسل و شافع جزوکل باشد.

ستوده‌تر از همه حضرت خاتم الانبیا سرور اصفیا محمـد مصطفی صلی الله علیه وآله الطاهرین است.

رسولی که تا صبح یـوم القرار	بود حکم او در جهان پایـدار
خدایش بگویـم سزاوار نیست	بشر گفتنش جـای گفتار نیست

و بعد در نظر دانشمندان روزگار پوشیده و پنهان نیست که در این دریای آفرینش بهترین گوهری که آدمی بدست تواند آورد گوهر علم و دانش است و این یافت نشود مگر بجمعیت خاطر و امنیت ازمخاطر منت خدایـرا که درعهد دولت شهریار عادل و عدالت گستر و رعیت پرور.

بقیه درشماره بعد

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

دیوان مولوی بخط مرحوم معرفت که معرب و باصطلاح خوشی کرد که عینا گراور اویت ام دفعه فقط متن صفحه اول گراور بوو متأسفانه حاشیه کی که بعربیه گراور نکرد یا امیدوارین که شماره گل بعدا بتوانین درشت‌تر و بحاشیه‌و گراوری کین.

یوسف وزلیخای گمنام

کتابی است باقطع بزرگ نیم‌ورقی خط درشت و کاغذ ضخیم که در کتاب خانه والی کردستان بوده.

همچه بر میآید شاعر شیرین بیان داستان یوسف زلیخا را بـرای والی به نظم درآورده و کتاب خود را به‌والی تقدیم داشته است و این کتاب اکنون دراختیار ماست.

چون نسخه آن در سایر کتابخانه ها دیده‌نشده‌تصور میرود منحصر بفرد باشد ولی ورق‌آخر آن افتاده و سراینده‌اش مجهول است.

کتابخانه های تهران‌واگذاری حق چاپ آنرا خـواستار بودند ، موافقت ننمودیم وخوشبختانه این ارمغانرا هم برای خوانندگان خویشتن محفوظ داشتم

اینك مادر روزنامه خویش بچاپ این‌اثر نفیس شروع مینمائیم تا اشعار نغز آنراکه در نهایت سادگی گفته شده باستحضار علاقمندان برسانیم.

ودرضمن چنانچه کسی نسخه ازآنرا دیده و بداندکه ناظم آن کیست لطفا اطلاعات خودرا بدفتر روزنامه‌مرقوم دارد.

اینك آغاز داستان

بنام آنکه این ایوان دلکش	شد از پیکار تقدیرش منقش
خداوندی که دفتر های مکتوم	بکلك قدرت او گشته مرقوم
توانائی که وقت حکمرانی	ازاو دور است‌عجز وناتوانی
ازل را یاد نه از مطلـع او	ابد را کارنه با مقطـع او
میرا ذاتش ازهر چون‌و چندی	زوان حکمش‌بهربست وبلندی
براطراف زمین‌این‌هفت‌خرگاه	زایوان زحل تا خرگه مـاه
زبحر قدرتش کمتر حبابی است	سراسر ذرهٔ از آفتابی است
سپهر ازعشق‌او دوپیچ وتاب‌است	مراورا ژودجوی ودیر بابست
خوراز‌جادوسبززین‌هر سحرگاه	زخاشاك نجومش رفته درگاه
هرآن‌قفلی که بندی‌ناپدیداست	مرآنرا نام‌پاك او کلید است

نشاید نامه‌ای را کردن آغاز
جز آن کز نام او گردد سر افراز

نبارد خازن طبع سخن سنج	ازاین‌ویرانه بی‌نامش برون گنج
اگـر عنوان منشور سلاطین	ز نام اوتجستی زیب وتزیین
بزرگان کزجهان دلخسته گشتند	بدین نام ازبلا ها رسته گشتند
بطوفان نوح از این نام معظم	بساحل برد کشتی را مسلـم
ز یمن عزت این نام دلـکش	گلستان شد بر ابراهیم آتش
بپاش دیده یعقوب مهجور	بدین نام‌ازپسر گردید مهجور
هم استخلاص یوسف‌از ته چاه	رسیدن‌بر سریر عزت و جـاه

همه از یـاری نام خـدا بود
که در هر ورطه‌ای مشکل گشا بود
زهی‌نامی که هر کس برزبان راند
ز اوج نیستی حرف امان خوانـد

اگر این داستان یابد تمامـی	بنفرین نام مبارك باد نـامی

بقیه در شماره بعد

خورنشین

خدا - شاه - میهن

بقیه از صفحه ۱

فراموش نشدنی که ما ازاین سرزمین داریم ما رابدان علاقمند وبرای همیشه شیفته و پای بند استقلال وتمامیت ارضی آن ساخته است تا در برابر گذشتگان سرافکنده نبوده و در نزد آیندگان نیز محترم باشیم.

همچنین بشهادت تاریخ ملت ایران درطول تاریخ پرافتخار خود نسبت بآن مقام مقدس که همواری حافظ حقوق ملی و حدود وثغور مملکت وموجب بهم پیوستگی و ارتباط کامل و بهترین مرکز ثقل ملی بوده است.

یعنی مقام شامخ سلطنت بدیده احترام و تعظیم نگریسته است و پیوسته کلمه «شاه» قلبا جلب احترام عمومی رانموده است.

بویژه که بندگان اعلیحضرت محمد رضا شاه آراسته بصفات حسنه و سجایای حمیده وخصائل پسندیده هستند و بحقیقت یک پادشاه بتمام معنی دمکرات است که تمام هم خود را درراه اعتلای ایران و راحتی مردم و آبادانی این سرزمین مصروف فرموده است.

•••

این سه کلمه مقدس راکه زینت بخش صفحهٔ اول روزنامه نمودیم بهترین هدف وآمال ما ودر اینراه خبر که متضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و سلطنت مشروطه وآزادی و دمکراسی و صلاح عمومی است گام بر میداریم و از طریق این سه منظور بزرگ تاپای جان بمبارزه خواهیم پرداخت.

عواملی راکه با این اصول و مقاصد مقدس متباین باشد بامید خدا و پشتیبانی ملت ایران از بیخ و بن بر کنده و در راه آزادی حقیقی و راحتی مردم و مبارزه با عوامل فساد و حفظ استقلال کشور واعتلای پرچم شیر و خورشید از ایثار جان نیز دریغ نخواهیم نمود.

باشد تا باافشای حقایق و انعکاس آرمانهای ملی وارائه طرق اصلاحی بنوبه خود قدمی در راه خدمت بمملکت برداریم.

و بیاری خداوند متعال و درظل توجهات عالیه شاهنشاه معظم و رجال خیر خواه کشور را از این ورطه سهمناک که با افتخارات تاریخی وسوابق مشعشع آن بهیچ وجه توافق نمیدهد رهانیده و در شاهراه رقی و تعالی هم آهنگ با دنیای مترقی و ملل راقیه جهان دوش بدوش کاروان تمدن پیش برود تا مقامی راکه شایسته سوابق تاریخی آنست احراز نماید

زنده باد شاهنشاه

پاینده باد میهن

برقرار باد پرچم

هیئت تحریریه

دورنمای کاریکاتورهای اینهفته

مسائل مختلف سیاسی روز محشری درجراید پایتخت برپا نموده ، کاریکاتور های مختلفی در روزنامه ها چاپ میشود که هر کدام دیدن دارد ، ما برای خوانندگان عزیز خور نشین بویژه آنهاکه دسترسی به تمام جراید ندارند ذیلا خلاصه‌ای از کاریکاتور های جراید مختلف المسلك این هفته را چاپ نموده امیدواریم که این ابتکار ما مورد توجه و رضایت خوانندگان قرار گیرد و در آتیه بتوانیم بطرز بهتری کلیه کاریکاتور های مهم راکه در ظرف هفته درجراید چاپ میشود بنظر خوانندگان برسانیم.

فرمان

آقای هریمن لابد فال میگیرد که آیا از این نفت شما را هم کلاهی هست؟

سیاست ما

فردوسی

نتیجه آزادی که شاه به ملت داد؟

خدنگ

حمله

حاجی بابا

آینده ایران

مرد بیکار

مرد رزم

آقای صدرالاشراف هنوز هم بمشروطیت خدمت میکند!

صدای وطن

مهر ملت

پرخاش

بیکار ملت

شلاق

توفیق

مرد رزم

بیانات آقای شوشتری واقعاً جالب توجه است

مرد رزم

آقای آزاد در شغل خود خیلی مهارت دارند!

چلنگر

شادروان یحیی معرفت

بقیه از صفحه ۱

اینکه بمجلل معروف ماموریت کشتن معظم له را با وعده انعام وخلعت ارجاع میکند.

مجلل بانواع حیل خواسته است نیت پلید خودرااجرا نمایدلیکن دوستان معرفت که بانهایت دقت مراقب او بوده‌اند از سوء قصد مجلل و سالارالدوله مدتی جلوگیری مینمایند. تا اینکه مرحوم معرفت ناگزیر میشود در یکی از حجرات امامزاده هاجر خاتون مدت چهل روز تحصن نماید.

دراینمدت جز شخص مرحوم قطب العارفین حاج شیخ عبدالله ویکنفر از اخوان مرحوم معرفت (جناب آقای ابوالوفا معتمدی) کسی ازجریان تحصن واقف نبوده آنان هم درحوالی نصف شب بدیدار او میرفته اندوالحق در حفظ جان آنمرحوم کوشش فراوان نموده‌اند.

مرحوم معرفت در اینموقع ازفراغت استفاده و کتاب نفائس السانحات فی تذییل الباقیات الصالحات راکه دراحوال سلسلهٔ نقشبندیه است بسبك قدیم ازعربی به فارسی ترجمه وآنرا خیط السبحات فی تنظیم بقیه‌رسحات نام میدهد و کتابتش را هم با خط شیوای خود انجام میدهد.

این کتاب که در تصوف و تاریخ سلسله نقشبندیه وشرح حال اقطاب این سلسله است.

علاقمندان زیادی دارد و کتابخانه های مرکزی واگذاری حق چاپ آنرا از این ما بودند لیکن بمناسباتی از واگذاری خودداری نمودم و اکنون که آن خورشید تابناك درخاك تیره‌غرب نهان شده‌روزنامه‌خورنشین‌موقع را جهت درج و انتشار این‌اثر نفیس مغتنم‌شمرده و این تحفه را بسالکان طریقه جلیله نقشبندیه و دوستداران آن طریقه اهدا میکند.

و سعی می نماید تا جائی که مقدور باشدعین صفحات راگراور نماید.

نطق‌های قبل از دستور دردهای ملت را درمان نمیکند

این روزها اگر دقت کرده باشید نطق های قبل از دستور بیش از سایر اوقات ایراد میشود وهریك از نمایندگان بمحض فرصت و همینکه دسترسی به تریبون پیدا میکند باآب و تاب هر چه تمامتر و دلسوزی بیش ازحد تصور سنگ موکلین و اهالی حوزه انتخابیه را بسینه میزنند، کسانی که سالها بعنوان نمایندگی مردم کرسی های مجلس را اشغال کرده و کوچکترین قدمی برای اصلاح حال موکلین اسمی و حوزه انتخابیه‌خویش برنداشته اندا کنون یکدفعه مثل کسیکه از خواب گران بر خیزد بخود آمده و برای موکلین بیچاره اشك تمساح میریزند و ازدولت میخواهند که فوراً چنین‌وچنان کند ودر یك‌طرفة‌العین حوزه انتخابیه آنها رشك بهشت شود، کسی نیست از این آقایان سؤال کندشما که هر کدام چند دوره خوب یا بد بعنوان نماینده مردم در مجلس شرکت کرده و یا اینکه ماهها است‌درمجلس به زد وبند مشغول هستند چرا تاکنون بایراد چنین نطق‌های شورانگیزی مبادرت نمینمودیدو چرا فقط همینکه دوره‌های مجلس نزدیك باختتام و عمر نمایندگی شما سپری میشود بیاد اصلاحات و رفع تعدد از مردم ستم دیده‌حوزه انتخابیه‌افتاده و بخیال خودتان شروع به عوام فریبی‌و گول زدن مردم مینمائید.

سیر زمان وتحولات گیتی چنان‌مردم هوشیار ایران را بیدار و بحقوق حقه‌خود آشنا نموده است که محال است بتوان مانند سابق با این‌حرفها و این وعده‌های سرخرمن سرشان را شیره مالیده بهتر که بازیکنان این‌صحنه عاری ازحقیقت باین حقیقت هر چند هم برای شان باشد پی برده و چون خودشان بهتر کس میدانند که این حرفها پشیزی برای مملکت ارزش ندارد و کمترین دردی راهم‌درمان نمی کندو نزدمردم هم‌مشتشان باز شده و دیگر نمی‌شود مردم را بسادگی‌ها گول زد لذا بنام حفظ مملکت اوقات گرانبهای مجلس را با حرفهای پوچ تلف ننموده و اجازه دهند که‌در این‌دقایق‌باریك بامور مهمه‌مملکت رسیدگی و بحث و شور شود.

هیئت تحریریه